

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



# آفاق تمدنی انقلاب اسلامی

به کوشش: دکتر جلال درخشه

با آثاری به قلم: (به ترتیب حروف الفبا)

علی آدمی ■ محسن اسماعیلی ■ اصغر افتخاری ■ رضا اکبری ■ ناصر باهنر  
ابراهیم برزگر ■ ناصر جمالزاده ■ محمدرضا حاتمی ■ محمد باقر خرمشاد  
غلامرضا خواجه سروی ■ جلال درخشه ■ سید جلال دهقانی فیروزآبادی  
علیرضا رحیمی عباسعلی رهبر ■ یاسین شکرایبی ■ سید علی علوی  
غلامرضا گودرزی ■ منصور میراحمدی ■ محمدجواد نوروزی  
بهرام نوزانی ■ محمدهادی همایون



## فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۹
مقدمه.....	۲۱

### بخش اول: اصول و مبانی

فصل ۱. بازسازی اندیشه دینی در ایران معاصر و تأثیر آن بر بازیابی تمدن اسلامی.....	۲۵
/دکتر جلال درخشه	
مقدمه.....	۲۵
۱-۱. انقلاب اسلامی ایران و بازسازی اندیشه دینی.....	۳۰
۲-۱. تجهیز مفاهیم درون دینی به مثابه زیر ساخت‌های معنایی تمدن سازی نوین انقلاب اسلامی.....	۳۴
۱-۲-۱. نسبت دین و سیاست.....	۳۵
۲-۲-۱. انتظار فرج و طرحی الهی برای آینده.....	۴۶
نتیجه‌گیری.....	۵۳
منابع.....	۵۵
فصل ۲. خدمات انقلاب اسلامی ایران به فرهنگ و تمدن اسلامی.....	۵۷
/دکتر غلامرضا خواجه سروی	
مقدمه.....	۵۷
۱-۲. مبانی مفهومی و نظری.....	۵۸
۱-۱-۲. تعریف تمدن.....	۵۸
۲-۱-۲. اهمیت و جایگاه تحلیل‌های تمدنی از تمدن اسلامی.....	۶۱

- ۳-۱-۲. نظریه کلی ..... ۶۴
- ۲-۲. دستاوردهای تمدنی انقلاب اسلامی ..... ۶۶
- ۱-۲-۲. احیای باور و عقیده ..... ۶۶
- ۱-۱-۲-۲. حاکمیت الهی: بنیاد هستی شناسی انقلاب اسلامی بر خدامحوری ..... ۶۷
- ۲-۱-۲-۲. کرامت انسانی مبنایی برای انسان شناسی انقلاب اسلامی ..... ۶۹
- ۲-۲-۲. تعمیق ارزش‌ها در حوزه رفتار ..... ۷۳
- ۳-۲-۲. بازسازی میراث بر پایه باور اسلامی ..... ۷۷
- ۱-۳-۲-۲. فرهنگ: احیای هویت شیعی ..... ۷۷
- ۲-۳-۲-۲. سیاست: توسعه نظری و تحقق عملی «مردم سالاری دینی» ..... ۸۲
- ۳-۳-۲-۲. اقتصاد: اقتصاد اسلامی و بازسازی مفهوم عدالت شیعی در انقلاب اسلامی ..... ۸۸
- نتیجه‌گیری: پی‌گیری جامعه نمونه اسلامی در چارچوب نظری مدینه النبی ..... ۹۲
- یادداشت‌ها ..... ۹۵
- منابع ..... ۹۶
- فصل ۳. انقلاب اسلامی و تلاش برای احیای تمدن اسلامی ..... ۹۹**
- /دکتر بهرام نوازی
- مقدمه ..... ۹۹
- ۱-۳. بسوی تمدن اسلامی ..... ۱۰۱
- ۲-۳. بحران هویت جمعی ..... ۱۰۲
- ۳-۳. بحران نظام بین‌المللی ..... ۱۰۴
- ۴-۳. بحران مشروعیت ..... ۱۱۰
- ۵-۳. رویکرد امام خمینی ..... ۱۱۳
- ۶-۳. رویکرد قانون اساسی ..... ۱۲۳
- نتیجه‌گیری ..... ۱۲۴
- منابع ..... ۱۲۶
- فصل ۴. انقلاب اسلامی ایران و تمدن‌سازی نوین اسلامی ..... ۱۲۹**
- /دکتر ناصر جمال زاده
- مقدمه ..... ۱۲۹
- ۱-۴. پیشینه درخشان تمدن اسلامی ..... ۱۳۱

فهرست مطالب □ ۷

۱۳۸.....	۲-۴. انقلاب اسلامی ایران و احیای تمدن اسلامی
۱۳۹.....	۳-۴. تأثیر انقلاب اسلامی ایران در بومی سازی مدل‌های توسعه
۱۴۰.....	۴-۴. اسلام روح تمدن نوین اسلامی
۱۴۵.....	نتیجه‌گیری
۱۴۶.....	یادداشت‌ها
۱۴۹.....	منابع
۱۵۱.....	فصل ۵. هویت تمدنی انقلاب اسلامی ایران و رسالت زمینه‌سازی ظهور
	/دکتر محمدهادی همایون
۱۵۱.....	مقدمه: جهان معاصر و توجه به نشانه‌های ظهور
۱۵۴.....	۱-۵. کارکرد نشانه‌های ظهور
۱۵۶.....	۲-۵. دسته‌بندی نشانه‌های ظهور
۱۶۱.....	۳-۵. تصویر کلی شرایط ظهور
۱۶۱.....	۴-۵. دین و تاریخ تمدن
۱۶۶.....	۵-۵. رسالت جهانی پیامبران الهی
۱۷۰.....	۶-۵. تحلیل عاشورا محور تاریخ
۱۷۲.....	۷-۵. پیوند علم و اخلاق
۱۷۴.....	۸-۵. گسترش و اوج گرفتن دانش
۱۷۵.....	۹-۵. ورود به جریان غیبت
۱۷۷.....	۱۰-۵. اشاعه دانش در میان اهل آن
۱۷۹.....	۱۱-۵. تلاقی دو جریان علم و غیبت
۱۸۱.....	نتیجه‌گیری
۱۸۲.....	منابع
۱۸۳.....	فصل ۶. انقلاب اسلامی و احیای تمدن اسلامی «با تأکید بر دیدگاه‌های مقام معظم رهبری»
	/دکتر محمد جواد نوروزی
۱۸۳.....	مقدمه
۱۸۴.....	۱-۶. مفاهیم و کلیات
۱۸۴.....	۱-۱-۶. تعریف تمدن
۱۸۵.....	۲-۱-۶. سیر تاریخی

- ۱۸۸..... ۳-۱-۶. چالش اسلام و مدرنیته و ظهور انقلاب اسلامی
- ۱۸۹..... ۲-۶. انقلاب اسلامی و بحران تمدن معاصر
- ۱۹۱..... ۱-۲-۶. اومانیسیم
- ۱۹۲..... ۲-۲-۶. بحران معنویت و دین
- ۱۹۳..... ۳-۲-۶. تفکیک دین از سیاست
- ۱۹۳..... ۴-۲-۶. بحران معرفت‌شناختی
- ۱۹۵..... ۵-۲-۶. اباحی‌گری و آزادی
- ۱۹۷..... ۶-۲-۶. سنت‌ستیزی
- ۱۹۸..... ۷-۲-۶. تضعیف نظام خانواده
- ۱۹۹..... ۸-۲-۶. معضلات روحی و روانی
- ۱۹۹..... ۹-۲-۶. ناکارآمدی تمدن غرب
- ۲۰۰..... ۳-۶. انقلاب اسلامی و آرمان تمدن اسلامی
- ۲۰۰..... ۱-۳-۶. اهداف تمدن اسلامی
- ۲۰۰..... ۱-۱-۳-۶. احیای دین
- ۲۰۰..... ۲-۱-۳-۶. جستجوی سعادت روح و جسم
- ۲۰۱..... ۳-۱-۳-۶. حاکمیت اسلامی
- ۲۰۱..... ۴-۱-۳-۶. ساخت انسان متکامل و منطبق با طراز اسلامی
- ۲۰۱..... ۵-۱-۳-۶. تأمین رفاه مادی
- ۲۰۲..... ۲-۳-۶. آسیب‌شناسی و بررسی علل رکود
- ۲۰۴..... ۳-۳-۶. راهکارهای ایجاد تمدن اسلامی
- ۲۰۴..... ۱-۳-۳-۶. آموزه‌های اعتقادی تمدن اسلامی
- ۲۰۶..... ۲-۳-۳-۶. پایه‌های معرفت‌شناختی
- ۲۰۸..... ۳-۳-۳-۶. جهانشمولی اسلام
- ۲۰۹..... ۴-۳-۳-۶. حاکمیت و مشروعیت الهی
- ۲۰۹..... ۵-۳-۳-۶. ساختار تمدن اسلامی بر پایه مردم‌سالاری
- ۲۱۱..... ۶-۳-۳-۶. تکیه تمدن اسلامی بر اخلاق
- ۲۱۱..... ۷-۳-۳-۶. بهره‌وری صحیح از امکانات
- ۲۱۲..... ۸-۳-۳-۶. تمدن اسلامی تمدن صلح و تعالی



نتیجه گیری	۲۱۲
منابع	۲۱۴
فصل ۷. بنیان‌های فکری شیعه در تمدن سازی اسلامی	۲۱۷
/ دکتر منصور میراحمدی	
مقدمه	۲۱۷
۷-۱. تمدن سازی اسلامی	۲۱۸
۷-۲. بنیان‌های فکری تمدن سازی اسلامی از دیدگاه شیعه	۲۲۰
۷-۲-۱. خدا محوری	۲۲۰
۷-۲-۲. نص محوری	۲۲۲
۷-۲-۳. عقل محوری	۲۲۷
نتیجه گیری	۲۳۶
منابع	۲۳۷
فصل ۸. مؤلفه‌های تمدن اسلامی	۲۳۹
/ دکتر محمدرضا حاتمی	
مقدمه	۲۳۹
۸-۱. تمدن	۲۴۰
۸-۲. تمدن و فرهنگ و رابطه آن دو با یکدیگر	۲۴۳
۸-۲. ویژگی‌های تمدن غربی	۲۴۵
۸-۳. تمدن اسلامی	۲۴۷
۸-۴. مؤلفه‌ها و ویژگی‌های تمدن اسلامی	۲۴۹
۸-۴-۱. علم گرایی	۲۵۱
۸-۴-۲. عقل گرایی	۲۵۶
۸-۴-۳. عدالت گرایی	۲۶۰
۸-۴-۴. آزاد اندیشی	۲۶۲
نتیجه گیری	۲۶۷
منابع	۲۶۹

بخش دوم: عوامل و ابعاد

فصل ۹. انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز؛ دانشگاه ایرانی، دانشگاه تمدن‌ساز.....	۲۷۳
/دکتر محمدباقر خرمشاد / علی آدمی	
مقدمه و طرح مسئله .....	۲۷۳
۹-۱. مرور ادبیات تحقیق: تمدن.....	۲۷۵
۹-۲. ویژگی‌های عمومی تمدن اسلامی - ایرانی .....	۲۸۰
۹-۳. دانش و دانشگاه در تمدن ایرانی - اسلامی .....	۲۸۲
۹-۴. دانشگاه تمدن‌ساز.....	۲۸۸
۹-۵. دانشگاه و تمدن‌سازی در ایران امروز و پس از انقلاب .....	۲۸۹
نتیجه‌گیری .....	۲۹۹
منابع .....	۳۰۱
فصل ۱۰. نقش تعلیم و تربیت اسلامی در تمدن‌سازی .....	۳۰۵
/دکتر رضا اکبری / یاسین شکرانی	
مقدمه .....	۳۰۵
۱۰-۱. تعریف تمدن .....	۳۰۶
۱۰-۲. تعریف فرهنگ .....	۳۰۸
۱۰-۳. رابطه فرهنگ و تمدن .....	۳۰۹
۱۰-۴. تعریف جهان‌بینی .....	۳۱۰
۱۰-۵. رابطه جهان‌بینی و فرهنگ .....	۳۱۰
۱۰-۶. تعامل جهان‌بینی، فرهنگ و تمدن .....	۳۱۱
۱۰-۷. تأثیر تعلیم و تربیت اسلامی بر شکل‌گیری جهان‌بینی به عنوان ریشه اصلی تمدن .....	۳۱۳
۱۰-۷-۱. نوع رویکرد به خدا .....	۳۱۳
۱۰-۷-۲. نوع رویکرد به خود.....	۳۱۵
۱۰-۷-۳. نوع رویکرد به دیگران.....	۳۱۶
۱۰-۷-۴. نوع رویکرد به جهان .....	۳۱۸
۱۰-۸. نهادهای اثرگذار در تعلیم و تربیت انسان.....	۳۱۹

۳۱۹.....	۱-۸-۱۰. نهاد خانواده
۳۲۱.....	۲-۸-۱۰. نهادهای آموزشی (مدرسه و دانشگاه)
۳۲۴.....	نتیجه‌گیری
۳۲۵.....	یادداشت‌ها
۳۲۶.....	منابع
<b>فصل ۱۱. همگرایی رسانه‌های سنتی و مدرن پس از انقلاب اسلامی و نقش آن در</b>	
۳۲۹.....	<b>بازسازی تمدن اسلامی</b>
/دکتر ناصر باهنر	
۳۲۹.....	مقدمه
۳۳۱.....	۱-۱۱. تحولات ارتباطی و تحول دیدگاه‌های فرهنگی - تمدنی بین الملل
۳۳۳.....	۲-۱۱. طرح دیدگاه همگراییانه در ارتباطات
۳۳۵.....	۳-۱۱. بحران مشروعیت در ارتباطات معاصر جهان اسلام
۳۳۷.....	۴-۱۱. انقلاب اسلامی ایران مرهون ارتباطات سنتی اسلامی
۳۳۹.....	۵-۱۱. نگاهی به مشخصه‌های نظام ارتباطات اسلامی
۳۴۲.....	۶-۱۱. پیشنهادات راهبردی
۳۴۳.....	نتیجه‌گیری: همگرایی سنتی - مدرن در فرایند بازسازی تمدن اسلامی
۳۴۷.....	منابع
<b>فصل ۱۲. انقلاب اسلامی و آفرینش نقش جدید رسانه‌ها در تمدن‌سازی (با تأکید بر مبانی حقوقی)</b>	
/دکتر محسن اسماعیلی	
۳۴۹.....	مقدمه؛ تعریف تمدن و جایگاه فرهنگ در آن
۳۵۱.....	۱-۱۲. تمدن و نقش رسانه در تأسیس و توسعه آن
۳۵۴.....	۲-۱۲. تمدن غرب و انحصارطلبی رسانه‌ای
۳۵۷.....	۳-۱۲. نظریه بی طرفی ذاتی رسانه و توجیه حقوقی آن
۳۵۸.....	۴-۱۲. مسلمانان و رسانه‌های جدید
۳۶۰.....	۵-۱۲. انقلاب اسلامی و بازآفرینی هویت رسانه‌ها
۳۶۲.....	۶-۱۲. پاسخ به نظریه سازی غرب
۳۶۴.....	۷-۱۲. تثبیت نظریه جدید رسانه در حقوق ایران
۳۶۷.....	نتیجه‌گیری و پیشنهاد

۳۶۸.....	منابع
	فصل ۱۳. تربیت عقلانی و تمدن اسلامی: بررسی جایگاه عقل در اندیشه تربیتی و نهاد
۳۷۱.....	آموزش اسلامی
	/ دکتر علیرضا رحیمی
۳۷۱.....	مقدمه
۳۷۲.....	۱-۱۳. تربیت و تمدن؛ تعامل اندیشه و عمل تربیتی
۳۷۴.....	۲-۱۳. تربیت عقلانی
۳۷۴.....	۱-۲-۱۳. تعقل در تمدن اسلامی
۳۷۹.....	۲-۲-۱۳. رویکردها در تربیت اسلامی
۳۸۱.....	۳-۲-۱۳. رویکردهای غیرعقل‌گرا
۳۸۵.....	۴-۲-۱۳. رویکردهای عقل‌گرا
۳۹۲.....	۳-۱۳. تربیت عقلانی در عصر حاضر
۳۹۲.....	۱-۳-۱۳. دیدگاه‌های حداقلی و حداکثری درباره کارکرد عقل
۳۹۵.....	۲-۳-۱۳. مسائل امروزی تربیت عقلانی
۳۹۶.....	۳-۳-۱۳. دوری از روح علمی و منطقی تحقیق
۳۹۶.....	۴-۳-۱۳. واپس‌گرایی
۳۹۸.....	۵-۳-۱۳. تحیر میان علیت و متافیزیک
۳۹۸.....	۶-۳-۱۳. انزوای طلبی و ترس از دادوستد فرهنگی
۳۹۹.....	۷-۳-۱۳. تعابیر نابسامان از مفهوم عقل و عملکرد آن
۴۰۱.....	۸-۳-۱۳. راه حل
۴۰۳.....	خلاصه و نتیجه‌گیری
۴۰۶.....	یادداشت‌ها
۴۱۰.....	منابع
۴۱۳.....	فصل ۱۴. ابعاد معنوی تمدنی گفتمان انقلاب اسلامی
	/ دکتر عباسعلی رهبر
۴۱۳.....	مقدمه
۴۱۴.....	۱-۱۴. مفاهیم و چارچوب نظری
۴۱۴.....	۱-۱-۱۴. گفتمان

فهرست مطالب □ ۱۳

۴۱۶.....	۲-۱-۱۴. تمدن
۴۱۷.....	۳-۱-۱۴. گفتمان انقلاب اسلامی
۴۱۸.....	۱-۳-۱-۱۴. دال مرکزی در گفتمان انقلاب اسلامی
۴۱۹.....	۲-۳-۱-۱۴. ضدیت و بیگانه سازی در گفتمان انقلاب اسلامی
۴۱۹.....	۳-۳-۱-۱۴. زبان و اندیشه در گفتمان انقلاب اسلامی
۴۲۰.....	۴-۳-۱-۱۴. شرایط امکان در گفتمان انقلاب اسلامی
۴۲۰.....	۲-۱۴. ابعاد معنوی تمدن گفتمان انقلاب اسلامی
۴۲۲.....	۱-۲-۱۴. تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر بیداری اسلامی
۴۲۴.....	۲-۲-۱۴. تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر احیاء فقه شیعه
	۳-۲-۱۴. تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی بر احیاء الگوی نظام سیاسی مبتنی بر معنویت و اخلاق
۴۲۶.....	نتیجه گیری
۴۲۷.....	منابع
۴۲۹.....	

بخش سوم: آسیب شناسی

۴۳۳.....	فصل ۱۵. محیط امنیتی تمدن اسلامی؛ رویکردی آسیب شناسانه
	/دکتر اصغر افتخاری
۴۳۳.....	مقدمه
۴۳۴.....	۱-۱۵. مفهوم شناسی
۴۳۴.....	۱-۱-۱۵. تمدن
۴۳۵.....	۱-۱-۱-۱۵. جدا نگاران
۴۳۵.....	۲-۱-۱-۱۵. یکسان انگاران
۴۳۶.....	۲-۱-۱۵. تمدن اسلامی
۴۳۸.....	۳-۱-۱۵. امنیت
۴۳۸.....	۱-۳-۱-۱۵. گفتمان سلبی
۴۳۸.....	۲-۳-۱-۱۵. گفتمان ایجابی

.....	۴-۱-۱۵. محیط امنیتی	.....	۴۳۹
.....	۱-۴-۱-۱۵. محیط اثباتی	.....	۴۴۰
.....	۲-۴-۱-۱۵. محیط انتزاعی	.....	۴۴۰
.....	۲-۱۵. نظریه «آسیب - تهدید»	.....	۴۴۱
.....	۱-۲-۱۵. تهدیدشناسی	.....	۴۴۱
.....	۲-۲-۱۵. آسیب‌شناسی	.....	۴۴۲
.....	۳-۲-۱۵. ارتباط آسیب - تهدید	.....	۴۴۲
.....	۱-۳-۲-۱۵. حالت اول. تهدیدات بر آسیب	.....	۴۴۳
.....	۲-۳-۲-۱۵. حالت دوم. تهدیدات در آسیب	.....	۴۴۴
.....	۳-۱۵. تهدیدات پیش‌روی تمدن اسلامی	.....	۴۴۶
.....	۱-۳-۱۵. تصلب فرهنگی و جمود تمدنی	.....	۴۴۶
.....	۲-۳-۱۵. اباحه فرهنگی و استحاله تمدنی	.....	۴۴۹
.....	۳-۳-۱۵. ضعف قدرت و وابستگی راهبردی	.....	۴۵۲
.....	نتیجه‌گیری	.....	۴۵۸
.....	یادداشت‌ها	.....	۴۶۰
.....	منابع	.....	۴۶۴
.....	<b>فصل ۱۶. تمدن‌سازی انقلاب اسلامی و گفتمان سکولاریزم در روابط بین‌الملل</b>	.....	۴۶۹
.....	دکتر سید جلال دهقانی فیروزآبادی	.....	
.....	مقدمه	.....	۴۶۹
.....	۱-۱۶. انقلاب اسلامی و رسالت تمدن‌سازی	.....	۴۷۱
.....	۱-۱-۱۶. معنا و مفهوم تمدن اسلامی	.....	۴۷۱
.....	۲-۱-۱۶. ویژگی‌های تمدن اسلامی در چارچوب انقلاب اسلامی	.....	۴۷۳
.....	۱-۲-۱-۱۶. خدامداری و اسلام محوری	.....	۴۷۳
.....	۲-۲-۱-۱۶. جهانشمولی و جاودانگی	.....	۴۷۴
.....	۳-۲-۱-۱۶. جامع‌نگری و اعتدال‌گرایی	.....	۴۷۴
.....	۴-۲-۱-۱۶. خردگرایی	.....	۴۷۵
.....	۵-۲-۱-۱۶. علم‌گرایی	.....	۴۷۵
.....	۶-۲-۱-۱۶. همزیستی و صلح‌گرایی	.....	۴۷۶

.....	۷-۲-۱-۱۶. عدالت محوری	۴۷۷
.....	۸-۲-۱-۱۶. دولت سازی	۴۷۷
.....	۲-۱۶. گفتمان سکولاریزم در روابط بین‌الملل	۴۷۷
.....	۱-۲-۱۶. معنا و مفهوم سکولاریزم	۴۷۸
.....	۲-۲-۱۶. دلالت‌ها و پیامدها	۴۷۹
.....	۱-۲-۲-۱۶. شخصی شدن مذهب	۴۸۰
.....	۲-۲-۲-۱۶. تقابل دین و عقل	۴۸۰
.....	۳-۲-۲-۱۶. تقابل دین و دانش	۴۸۱
.....	۴-۲-۲-۱۶. دولت محوری	۴۸۲
.....	۵-۲-۲-۱۶. تلازم دین و خشونت	۴۸۳
.....	۳-۱۶. بازتاب‌های تمدن سازی انقلاب اسلامی	۴۸۳
.....	۱-۳-۱۶. تضعیف اصل دولت سکولار	۴۸۴
.....	۱-۱-۳-۱۶. احیای نقش سیاسی مذهب	۴۸۵
.....	۲-۳-۱۶. واسازی مبانی فرانظری روابط بین‌الملل	۴۸۷
.....	نتیجه گیری	۴۸۹
.....	یادداشت‌ها	۴۹۰
.....	<b>فصل ۱۷. علوم انسانی و تمدن‌سازی در ایران معاصر؛ رهیافتی میان رشته‌ای</b>	۴۹۵
	دکتر ابراهیم برزگر	
.....	مقدمه	۴۹۵
.....	۱-۱۷. میان رشته‌ای	۴۹۷
.....	۲-۱۷. جنبه نرم‌افزاری تمدن	۴۹۷
.....	۳-۱۷. قواعد تمدن‌سازی	۴۹۸
.....	۴-۱۷. بررسی موردی	۵۰۴
.....	نتیجه گیری	۵۱۲
.....	یادداشت‌ها	۵۱۶
.....	<b>فصل ۱۸. جمهوری اسلامی ایران و چالش‌های اساسی بازیابی تمدن اسلامی</b>	۵۱۹
	دکتر علی اکبر کمالی اردکانی	
.....	مقدمه	۵۱۹

۵۲۰	۱-۱۸. تمدن و فرهنگ
۵۲۲	۲-۱۸. علل طرح مجدد تمدن
۵۲۵	۳-۱۸. تمدن اسلامی و سابقه تاریخی آن
۵۲۸	۴-۱۸. جایگاه تمدن اسلامی در عصر حاضر
۵۲۹	۵-۱۸. رابطه تمدن اسلامی با سایر تمدن‌ها
۵۳۲	۶-۱۸. بازیابی تمدن اسلامی
۵۳۴	۷-۱۸. دست آوردهای تمدنی انقلاب اسلامی
۵۳۶	۸-۱۸. چالش‌های بازیابی تمدن اسلامی
۵۳۸	نتیجه‌گیری
۵۴۱	منابع
۵۴۵	فصل ۱۹. افول تمدن ایران اسلامی و علل آن
	دکتر سید علی علوی
۵۴۵	مقدمه
۵۵۲	۱-۱۹. انتقال پایگاه علوم از بغداد به ایران
۵۵۳	۱-۱-۱۹. حکومت غزنویان
۵۵۵	۲-۱-۱۹. حکومت سلجوقیان
۵۵۶	۲-۱۹. نتایج سلطه ترکان پیش از حمله مغول
۵۵۷	۳-۱۹. مشروعیت بخشیدن به سلطه سلاطین
۵۶۰	۴-۱۹. مبارزه با علوم عقلی
۵۶۱	۵-۱۹. عدم ثبات سیاسی
۵۶۴	۶-۱۹. روی کار آمدن افراد بی اصل و نسب
۵۶۸	۷-۱۹. کاهش خود باوری ایرانیان
۵۷۰	۸-۱۹. حمله مغول و بی آمدهای آن
۵۷۲	۹-۱۹. فرهنگ و تمدن در عهد مغولان و ادوار پس از آن
۵۷۷	۱۰-۱۹. انقلاب اسلامی و خود باوری
۵۷۸	نتیجه‌گیری
۵۸۰	یادداشت‌ها



فصل ۲۰. تقابل رویکرد تمدن سازی انقلاب اسلامی و جهانی سازی، تحلیلی آینده نگرانه ... ۵۸۹

/دکتر غلامرضا گودرزی

مقدمه ..... ۵۸۹

۱-۲۰. تمدن و تمدن سازی ..... ۵۹۰

۲-۲۰. تمدنهای پیشین و جهانی سازی ..... ۵۹۴

۳-۲۰. ایران در گذر تمدنی ..... ۵۹۹

۴-۲۰. ماهیت انقلاب اسلامی ..... ۶۰۲

۵-۲۰. رویکرد تمدنی به انقلاب اسلامی ..... ۶۰۵

۶-۲۰. جهانی سازی و انقلاب اسلامی ..... ۶۰۸

۷-۲۰. فرجام شناسی در نگاه تمدن غرب ..... ۶۱۱

۸-۲۰. فرجام شناسی در نگاه تمدن مهدوی ..... ۶۱۳

نتیجه گیری ..... ۶۱۷

منابع ..... ۶۲۰

چکیده فصول ..... ۶۲۱



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

### سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کار ویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

**دانشگاه امام صادق علیه السلام** در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان گذاران و دانش آموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

**معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام** با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (انشاءالله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رویدادهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی یک قرن اخیر جهان به شمار می‌آید. انقلابی که توانست به شکل شگفت‌انگیزی بر مسائل منطقه‌ای و جهان تأثیر تعیین‌کننده‌ای بگذارد. مهم‌ترین تفاوت این انقلاب به عنوان مردمی‌ترین انقلاب جهان معاصر با سایر انقلاب‌های بزرگ جهان را باید در خصلت‌های بنیادین آن به ویژه ابتدای آن بر باورهای دینی و اهداف ارزشی جستجو نمود. انقلاب اسلامی ایران ضمن بازخوانی اسلام در عصر جدید آن را به عنوان یک قدرت تعیین‌کننده در جهان مطرح و بر دوره بی‌باوری‌هایی دینی در تاریخ نوین جهان مهر پایان زد از این رو انقلاب اسلامی ایران در پایان دوران گذار از تجربه‌های پیشین جهانی و آغاز تجربه‌های جدید از مناسبات تمدنی قرار دارد. بهترین شاخص این تجربه جدید از به جهت معرفتی، بازگشت به سنت‌های الهی و تأکید بر معرفت و ساماندهی و معنا بخشی روابط اجتماعی سیاسی فارغ از تعاملات و مناسبات پذیرفته شده رسوم جهانی است و این همان بن‌مایه اصلی تفکر پشتوانه‌کننده انقلاب ایران بشمار می‌رود که قادر است زیستن به تفسیر جهان و فهم متفاوتی از عرف موجود جهانی را به انسان بیاموزد. به این اساس این انقلاب نه تنها اثری پایدار بر تاریخ معاصر ایران گذاشت بلکه دامنه‌های آن جوامع دیگر را نیز در معرض دگرگونی قرار داد.

این اثرات آنقدر مهم بوده و هست که طی سه دهه گذشته بررسی‌ها و پژوهشی‌های گسترده‌ای درباره آن، چه در ایران و در سایر کشورها و در جهت شناخت آن صورت

گرفته است ولی علی رغم این کوشش‌ها هنوز همه ابعاد آن به ویژه اثرات پایدارتر این انقلاب بزرگ مورد بررسی قرار نگرفته است.

در این میان یکی از ابعاد مهم انقلاب اسلامی، رسالت تمدن سازی آن می‌باشد که بی‌تردید برخاسته از هویت این انقلاب و در عین حال نه تنها پاسخی به کشش‌های گسترده تاریخی ایران و ایرانی در چارچوب اسلام برای ایفای نقش موثر در تمدن جهانی است، بلکه یکی راهبرد برون وقت از عقب‌ماندگی در دوره معاصر و پر کردن خلأ ناشی از انحطاط و عقب‌ماندگی می‌باشد موضوعی که شایسته و بایسته واکاوی و بررسی است. از این رو اکنون که بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد بحث درباره لایه‌های زیرین‌تر و پردامنه‌تر این انقلاب ضروری است. مجموعه حاضر که تحت نظر اینجانب و توسط اساتید محترم دانشگاه‌های مختلف به رشته تحریر در آمده است، اولین بررسی در نوع خود و گامی مقدماتی در این زمینه بسیار مهم است. این مجموعه که شامل ۲۰ مقام است کوشش می‌کند نمایی دیگر از اثرات بنیادین انقلاب اسلامی ایران را که تأثیری تمدنی آن در تاریخ می‌باشد، مورد بررسی و کندوکاو قرار داده و در سه بخش ۱. مبانی و اصول. ۲. عوامل و ابعاد و در نهایت آسیب شناسی تنظیم و تقدیم پژوهشگر می‌گردد. امید است این اثر پژوهشی راه را برای بررسی‌های بعدی در این زمینه آماده سازد.

دکتر جلال درخشه

تهران - بیست‌هفتم مهرماه ۱۳۸۹ هجری شمسی

بخش اول:

اصول و مبانی







## بازسازی اندیشه دینی در ایران معاصر و تأثیر آن بر بازیابی تمدن اسلامی

دکتر جلال درخشه\*

### مقدمه

از زمان شکل‌گیری حکومت پیامبر اسلام (ص) و گسترش اسلام تا دوران معاصر، جهان اسلام به نوعی از یکپارچگی و همگونی ذهنی برخوردار بوده است، همگونی مزبور که نتیجه هم‌آوایی نظری بر روی زیر ساخت‌هایی چون جهان بینی توحیدی، هدایت و سایر آموزه‌های اسلامی بود، به شکل شگرفی توانمندی تاریخی مسلمانان را جهت شکل‌دهی و بسط تمدن اسلامی افزایش داد. تمدنی که در فرآیند تاریخی خود توانست کوشش‌های فکری و سیاسی و اجتماعی را در ذیل خود جمع و ساماندهی نموده و توأم با ابتکار، نوآوری و خلاقیت، جهان زیست متفاوتی را برای بشر بیافریند.

این حوزه تمدن موفق گردید در درون خود نظامی از معرفت و یک جهان اخلاقی را شکل دهد تا شهروندان مسلمان به خوبی بتوانند سرفرازانه خود را در چارچوب آن تعریف نمایند. اما این حوزه تمدنی در سیر تاریخی خود به تدریج با چالش‌هایی روبرو گشت و نتوانست به شکل موثر و دائمی به باز تولید عناصر خود بپردازد. تردیدی نیست که عواملی چه از درون و چه از بیرون جهان اسلام در بهم پاشیدگی این تمدن اثر گذار بودند. در درون جدال فکری معتزلیون و اشاعره و در نهایت پیروزی اشاعره و انزوای

---

\* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق(ع)

عقل‌گرایان، استبداد فشرده حکومت‌ها و عکس‌العمل‌هایی که در ساختار اجتماعی در قبال آن به وجود آمد، پویایی‌های درونی این حوزه تمدنی را خنثی نمود. از برون نیز جنگ‌های صلیبی و حملات مغولی و سایر جنگ‌ها آن را به کلی به هم ریخت و بدین ترتیب تمدن اسلامی پس از یک دوره پویایی، جوهره سازندگی خود را از دست داد. هر چند پس از این دوره سهمناک که بر تمدن اسلامی گذشت، مجدداً قدرت‌های سیاسی چون عثمانی‌ها، صفویه و گورکانیان در جهان اسلام ظهور کردند اما هیچ‌گاه نتوانستند به شکل استواری در بازسازی تمدن اسلامی موفق باشند.

اما هم‌زمان با بهم‌پاشیدگی تمدن اسلامی، دورانی از زایش تمدن در جهان غرب آغاز گردید. این تمدن با توسعه خود، مناسبات جدیدی را در روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جایگزین مناسبات پیشین نمود و ضمن خلق تعریف نوینی از انسان، جهان‌زیست متفاوتی را برای او به وجود آورد.

تردیدی نیست که یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی اساسی که سپهر اندیشه و جهان‌بینی اسلامی را در دوره جدید با مخاطره روبرو ساخت، گفتمان رو به رشد تمدن و فرهنگ غربی است که از دگرگونی‌های علمی و فکری و صنعتی در جغرافیای مغرب زمین سرچشمه گرفته است. تفاوت‌های فکری این تمدن نه تنها عرصه مادی، که جهان ذهنی مردمان مسلمان را به مبارزه طلبید و به شکل سرسختانه‌ای در مقابل قابلیت‌های فکری و تاریخی جهان اسلام ایستاد. روزگاری که اروپا به تدریج پایه‌های تمدنی نوین خود را بنیان‌گذاری می‌کرد جهان اسلام در رکود فرو رفته و برکنار از همه تأثیرات خارجی، به این دگرگونی‌ها اعتنا نمی‌کرد. این بی‌اعتنایی به تحولات جدید جهان توأم با گسترش جهل و نادانی و استبداد در جهان اسلام و پراکندگی مسلمانان از یکدیگر بی‌وقفه ادامه یافت. ورود استعمار غربی به جهان اسلام عصر جدیدی را برای مسلمانان رقم زد که موجب نفوذ بی‌چون و چرای آنان در سرزمین‌های اسلامی گردید. بی‌تردید شرح و تبیین داستان این نفوذ غم‌انگیز و دردناک است.

حمله ناپلئون بناپارت به سال ۱۷۹۸ به مصر سر آغاز هجوم همه جانبه استعمار غربی به جهان اسلام بشمار می‌آید ناپلئون در واقع نماینده تمام عیار تمدن جدید غربی بشمار می‌آید که اقدام خود را در چارچوب رسالت تمدن‌سازی برای مسلمانان توضیح

داد. مسلمانان که در این دوره با چالش‌های متعددی چون واگرایی سیاسی و مذهبی روبرو بودند یا قدرتی برتر و روبه رشد مواجه شدند که تسلط طلبی خود را هیچ‌گاه مخفی نکرد. هجوم‌های پی در پی غرب به جهان اسلام آثار همه جانبه‌ای را در نظام اندیشگی، فرهنگ، سیاست و اقتصاد مسلمانان بر جای گذاشت. آثار این هجوم بر خلاف آثار هجوم‌های پیشین بسیار گسترده و ژرف بود به نحوی که مسلمانان به این مهم واقف گردیدند که فرهنگ و نهادهای اجتماعی و ایمانشان نیز از طریق زور و سرمایه و دیپلماسی غربیان مورد تهدید واقع شده است.

مروری بر تغییرات فکری جهان اسلام در دوران جدید نشان می‌دهد که ظهور تمدن جدید و آثار آن، باعث تأثیرگذاری شگرف در الگوهای فکر سنتی جهان اسلام شده و الگوهای تازه‌ای را شکل داده است که در این میان بدون تردید بازیابی هویت جمعی و تمدنی از جمله آنها است. تمدن غرب این ارمغان را برای جهان اسلام داشت که شوک شدیدی در مسلمانان ایجاد کند و آنان را به تکاپو واداشته تا نسبت به وضع خویش حساسیت بیشتری نشان دهند.

بدین ترتیب با هجوم هم‌جانبه غربیان به جهان اسلام به ویژه از قرن نوزدهم میلادی از سویی، و از سویی دیگر معضل عقب‌ماندگی مسلمانان عکس‌العمل‌های گوناگون در جهان اسلام به وجود آمد شرایط نوین قطعاً الگوی جدیدی از عمل و نظر را برای مقابله موثر با تمدن نوین غرب ضروری ساخت.

این واکنش‌ها هم در ساختار سیاسی حکومت‌های مسلمان و هم در ساختار اجتماعی و میان متفکران جوامع اسلامی قابل‌بازشناسی است. در مجموع می‌توان این موضع‌گیری‌ها را در سه گفتمان توضیح داد: ۱. دیدگاهی که خروج جهان اسلام از وضعیت موجود و به ویژه عقب‌ماندگی را در پذیرش عناصر تمدن غرب جستجو می‌کرد. ۲. گفتمان ملی‌گرایی که چندان فارغ از بخش قابل توجهی از عناصر تمدن غرب نبود و در عین حال خود را در دیرینه‌گرایی تاریخی نمایان می‌ساخت. ۳. گفتمان اسلام‌گرایی، که البته هر سه گفتمان نیز همراه با دامنه‌های متفاوت بود.

در گفتمان نخست موضوع پیروی از تمدن غرب سوژه اصلی بشمار می‌آید. از نظر معتقدین به این دیدگاه، غرب دشمن مسلمانان بشمار نمی‌آید از این‌رو باید از تجارب

آنها (غریبان) و نیز الگوهای رفتاری و فکری آنان جهت پیشرفت و غلبه بر پس ماندگی پیروی گردد. از ویژگی‌های این جریان تقلید همه جانبه از فرهنگ و تمدن غربی، خودباختگی، بی‌هویتی، جدایی عرصه‌های دین و سیاست و امثال آن است. در میان جوامع مسلمان کسانی چون طهطاوی، شبلی شمیل، طاها حسین، ملکم خان، آخوندزاده، تقی‌زاده، سر سید احمد خان و دیگران نمایندگان این جریان فکری بشمار می‌آیند. نتیجه عملی این نگرش، گسترش غرب‌گرایی در میان جوامع اسلامی بود.

در گفتمان دوم بحث از بازگشت به ارجح‌ها و ارزش‌ها و فرهنگ ملی و قومی، جزء مسائل کانونی تلقی گردید. طرح افراطی این دیدگاه در جهان اسلام هر چند با مبانی دینی هم‌خوانی نداشت، ولی در بعضی موارد به عنوان واکنش علیه استعمار بکار گرفته شد. این نوع نگرش به ویژه در کشورهای ایران و مصر در دوره معاصر به شکل شدیدتری مطرح بوده است.

اما گفتمان سوم جریان بازگشت به دین می‌باشد که تحت عنوان عمومی "اسلام‌گرایی" قابل توضیح است. شاخصه اصلی چنین تفکری بر این موضوع تأکید می‌ورزد که برای خروج از معضل عقب‌ماندگی و مقابله با استعمار غربی باید از اسلام به عنوان اساس تمدن و هویت جوامع اسلامی دفاع نمود و حرکت جدیدی بر پایه اصول و مبانی اسلامی آغاز کرد و از این طریق جهان اسلام و مسلمانان را از میان خاکسترهای کهنه رسوم و انحطاط به حیات معقول اسلامی بازگرداند.

این جریان از نظر فکری و فرهنگی به طرد و نقد اندیشه جدید غربی و ارزش‌های برآمده از آن پرداخت و در این نقد تا آنجا که تمدن غربی با چهره استعماری و ضد مبانی ارزشی دینی پیوند می‌خورد پیش رفت و بجای تمسک به فرهنگ غربی، تز بازگشت به اسلام را مطرح نمود. گفتمانی که می‌توان آنرا در قالب اصلاح طلبی دینی با به تعبیر دکتر حائری «همسازگری مسلمانان» در برابر استعمار غرب یا پان‌اسلامیسم توضیح داد. (حائری ۱۳۶۸: ۸۵)

بنیان این تفکر در راستای دفاع از موجودیت جوامع اسلامی و ارزش‌های دینی و جهت مقابله با قدرت نظامی و اقتصادی و سیاسی غرب، مسلمانان را به کنار گذاشتن پراکندگی‌های مذهبی، تفرقه‌ها و جدائی‌ها دعوت نموده و نظریه وحدت اسلامی را

مطرح نمودند. به اعتقاد اینان نبرد با سلطه غرب نیز مستلزم وحدت کلمه همه مسلمانان صرف نظر از عقاید جنبی شان بود. (عنایت ۱۳۶۵: ۸۰) از مشخصه‌های دیگر این جریان تاکید بر همراهی دین و عقل و دین و علم و با اتخاذ شیوه‌های جدید جهت پیاده نمودن اسلام راستین و توضیح دین بر اساس مقتضیات زمان و مکان بود.

در راستای چنین جریان فکری در جهان اسلام بهره‌گیری از دستاوردهای علمی تمدن غربی در جهت تقویت بنیه علمی جامعه اسلامی و نیز تقویت و توسعه قدرت مسلمانان اما در چارچوب باورداشت‌های دینی و در جهت احیای تمدنی آن و پرسش‌های چون این موضوع مهم که اسلام و میراث اسلامی چه معنایی در زندگی انسان امروزی می‌تواند داشته باشد؟ و چگونه می‌توان جوامع اسلامی را در مقابل هجوم ارزش‌های تمدن غربی و در چارچوب ارزش‌های بومی محافظت کرد؟ به شدت مطرح گردید کوششی که نه تنها در پی نشان دادن نقش اسلام در زندگی مسلمانان در عصر جدید بود بلکه بازسازی تمدن اسلامی را در بازشناسی عناصر معنوی آن قبل از هر چیز دیگری دانست و به امکان چنین بازسازی به عنوان راهی بی بازگشت برای رفع معضل عقب‌ماندگی مسلمانان توجه یافت. در میان جریان‌های اسلام‌گرا قوی‌ترین فضایی که این دیدگاه در آن بازتاب یافت انقلاب اسلامی ایران بود که به ویژه قبل از هر چیز بنیان‌های معنوی و جهان اخلاقی آن را هویدا ساخت.

اگر هر تمدنی دو جنبه مادی و معنوی داشته باشد که چنین نیز هست بدون تردید زیر ساخت‌های ذهنی و فکری آن مقدم بر دستاوردهای مادی آن است. بنابر این برای احیاء تمدن و بازسازی آن نیز راهی جز بازشناسی جنبه‌های معنایی و ذهنی و فکری آن نیست. و این همان دیدگاهی است که به شکل عمیقی در جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران مورد توجه قرار گرفت. معماری یک حکومت در انقلاب اسلامی ایران یکی از دستاوردهای مهمی بشمار می‌آید که با بدست گرفتن قدرت سیاسی فضای لازم برای این بازشناسی تمدنی در جهان اسلام فراهم آورد. از این جهت انقلاب اسلامی متکامل‌ترین حلقه از حلقات جنبش‌های اسلامی بشمار می‌رود. وصول به چنین شرایطی بالطبع مستلزم بازسازی اندیشه دینی و تجهیز باورداشت‌هایی بود که چنین امکانی را شکل داد. نوشتار حاضر تلاش خواهد کرد این بازشناسی و تجهیز مفاهیم درون دینی را

که برای شکل‌دهی انقلاب اسلامی و توضیح مبانی تئوریک آن مورد بررسی قرار داده و تأثیر آن را بر بازسازی تمدن اسلامی تبیین نماید.

### ۱-۱. انقلاب اسلامی ایران و بازسازی اندیشه دینی

تردیدی نیست که انقلاب اسلامی ایران در پایان دوران گذار از تجربه‌های پیشین جهانی و آغاز تجربه‌های جدید در مناسبات تمدنی قرار دارد. بهترین شاخص این تجربه جدید به جهت معرفتی بازگشت به سنت‌های الهی و تأکید بر معنویت و ساماندهی و معنا بخشی روابط اجتماعی و سیاسی فارغ از تعاملات پذیرفته شده جهانی است و این همان بن‌مایه اصلی تفکر پشتوانه‌کننده انقلاب ایران بشمار می‌رود که قادر است نحوه زیستن، تفسیر جهان و فهم متفاوتی از عرف موجود جهانی را به انسان جدید بیاموزد. در این راستا بازسازی اندیشه دینی در فرآیند تاریخی انقلاب اسلامی ایران که در جهت تجدید حیات دینی صورت پذیرفته از اهمیت فراوانی برخوردار است و در برگیرنده اهداف بنیادینی چون تعمیم اندیشه دینی برای ایفای نقش برتر سیاسی و اجتماعی، همانند کردن آن با الزامات زمان و بهره‌گیری از توانمندی‌های دینی جهت مبارزه با استبداد داخلی و سلطه خارجی و در نهایت در یک رویکرد درون تاریخی بازیابی و پویا نمودن تمدن اسلامی بوده است. مقوله‌ای که در نوع خود پیچیده و متنوع و متضمن فرآیند دشوار شناسایی و ارزیابی است.

این بازسازی در تفکر منتهی به انقلاب اسلامی ایران دارای پویایی پر نشاطی بود و توانمندی خود را در شکل‌دهی به معماری یک حکومت به خوبی نشان داد که ریشه‌های آن را باید در درون اندیشه شیعه توضیح داد. به لحاظ تاریخی تاریخ معاصر ایران به ویژه دوره پس از جنگ دوم جهانی شروع یک دگرگونی کامل در دریافت مذهب و نیز ساخت تفکر دینی است، زیرا در شرایط جدید جدای از تجربه سیاسی پیش از نیم قرن پیش از آن برای علمای شیعه، میدان اندیشه ایران از سویی مورد تاخت و تاز جریان‌های چپ مبتنی بر مارکسیسم به عنوان مهم‌ترین جریان روشنفکری قرار گرفت. جریانی که از بنیانی‌ترین پایه‌های آن ضدیت با دین و اندیشه دینی بود. از سوی دیگر دین‌ستیزی در قالب پیرایش مفاهیم سنتی دین توسط برخی از روشنفکران مطرح گردید.

این چالش‌ها، واکنش‌هایی در لایه‌های مذهبی جامعه ایران در پی داشت. دگرگونی یاد شده هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی تا پیروزی انقلاب اسلامی ایران روند فزاینده‌ای یافت و در درون خود آمادگی‌های لازم برای ارائه طرحی که زیر ساخت‌های شکل دهنده تمدنی جدید را فراهم سازد، از خود نشان داد.

در چنین بستری اندیشه‌گرانی ظهور کردند که با نگاهی متفاوت از پیشین صرفاً سستی به دین و کارکردهای آن، دین را بر اساس مقتضیات زمان و مکان توضیح دادند، و دریافتی کاملاً متفاوت از آن را در جهت ایجاد یک تحول بنیادین تاریخی در ایران ارائه دادند این جریان فراتر از آن که دکتر عنایت آن را در چارچوب علل و انگیزه‌های اجتماعی تحلیل کرده است (عنایت ۱۳۶۵: ۷۸) به شکل شگفت‌آوری سیاسی بود. سخنگویان عمده این تحول کوشش گسترده‌ای را برای طرح مجدد دین در جامعه ایران انجام دادند و در آماده سازی تفکر دینی و بازسازی آن برای ایفای نقش برتر تاریخی، سیاسی و اجتماعی جدی بودند.

کوشش‌های اینان در ایران بیشتر صرف هدف‌هایی چون آماده سازی دینی برای ایجاد یک حرکت فعال و تمدن ساز بر اساس دین، تفسیر نوین از پذیره‌های سنتی شیعه، آزادی خواهی و مبارزه با استعمار خارجی بوده است که از اینرو آشکارا با کوشش‌های بازیابنده و اصلاح طلبی‌های اهل تسنن در جهان معاصر اسلام تفاوت دارد. بخش عمده‌ای از این تفاوت به تعبیر مرتضی مطهری به فرهنگ شیعه باز می‌گردد که برخوردار از فرهنگی زنده، حرکت زا و پویا است که از روش‌های علی (ع) و از اندیشه‌های او تغذیه می‌کند، این فرهنگی است که در تاریخ خود عاشورا دارد، صحیفه سجادیه و دوره امامت و عصمت دویست و پنجاه ساله دارد (مطهری ۱۳۶۱: ۱۴۷) بر این اساس شیعه دقیقاً شکلی از اسلام است که با مضمون آموزشی و اسرارآمیز خود تفاوت بین آنچه که اطاعت محض است و آنچه که زندگی عمیق روحانی است نشان می‌دهد (ذوعلم ۱۳۷۷: ۹۰) یعنی پیامی که همه می‌شناختند و آن را مظهر شخصیت و هویت از دست رفته خویش می‌دیدند. (کاتوزیان ۱۳۶۰: ۶)

به لحاظ تاریخی ادبیات مربوط به اصلاح طلبی و بازسازی دینی در ایران به سید جمال الدین اسدآبادی می‌رسد که از اصلی‌ترین مؤلفه‌های فکری او نظریه بازگشت به

دین و طرح مجدد آن در عصر جدید بود. نمونه‌ای از کوشش‌های وی در این راه می‌توان در اثر مهم او با موضوع ردیه‌ای بر مادی‌گرایی (حلبی، ۱۳۵۶) و نیز مجموعه عروۃ الوثقی (اسدآبادی و عبده، بی‌تا) یافت. سپس در دوران مشروطیت ایران مهم‌ترین اثر کتاب «تنبیه الامه و تنزیه المله» میرزای نائینی است (نائینی ۱۳۲۷ ه.ق) که توسط علمای بزرگی چون آخوند خراسانی و ملا عبدالله مازندرانی تایید گردید. کتاب نائینی در نوع خود در توضیح مبانی فکری شیعه در عصر جدید اهمیت فراوانی دارد. اندیشه بازگشت به دین با شکل‌گیری حکومت رضا شاه در ایران تا حدود زیادی متروک ماند و اندیشه ملی‌گرایی تاریخی با تمایلات ضد مذهبی گسترش یافت اما سقوط رضا شاه و تضعیف قدرت دولت مرکزی در کنترل نیروهای مخالف، فضای سیاسی و اجتماعی برای بیان اندیشه‌های دینی فراهم گشت به نحوی که پس از جنگ دوم جهانی تا پیروزی انقلاب اسلامی توسعه و رواج یافت و «طیفی از علمای شیعی سعی کردند ثابت کنند تا تشیع از نظر سیاسی یک نظام است» (عنایت ۱۳۶۵: ۵۰) یعنی همان مبنایی که می‌بایست بر اساس آن به بازشناسی و شروع یک حرکت تمدنی در تاریخ ایران اقدام نمود.

به ویژه در دهه چهل و پنجاه که بخش مهمی از ادبیات دینی به وجود آمد، عموماً بیانی نو و یا دست کم متفاوت از گذشته داشت و در برگیرنده مقولات سیاسی، اقتصادی، رابطه بین دین و دانش، تجدید حیات فلسفی و بالاخره ارائه اسلام با لحنی جدید برای طیف وسیعی از جوانان تحصیل کرده به ویژه در جو غیر مذهبی آن زمان بود که خود موجب طرح دین به عنوان یک عامل قابل مشاهده در زندگی عمومی گردید. این کوشش‌ها به شکل قابل ملاحظه‌ای به افزایش سطح آگاهی بخشی مردم و نیز انتظار فراتر از کارکردهای سنتی دین در میان آنان گردید و وفاداری به دین و به‌ویژه مذهب تشیع را در میان آنان نمودار ساخت.

در این میان کوشش‌های امام خمینی از دهه بیست به بعد از جایگاه خاصی برخوردار است. در واقع مهم‌ترین موضع‌گیری‌های فکری که از طرف روحانیت در قبال توسعه اندیشه‌های ضد دینی در این دوره انجام گرفت در کتاب کشف‌الاسرار امام خمینی (ره) بازتاب یافت. وی این کتاب را در پاسخ به جزوه کوتاهی که علی‌اکبر حکمی‌زاده از دوستان و شاگردان احمد کسروی به پیوست مجله پرچم کسروی و تحت



عنوان «اسرار هزارساله» منتشر کرد، نگاشت. حکمی زاده در این جزوه ۳۸ صفحه‌ای به انتقاد از تشیع پرداخت و در آن سیزده سوال مطرح کرد.

کوشش‌های اصلی امام در این کتاب دفاع از تمامیت و کلیت آموزه دینی در چارچوب پاسخ به شبهات مطرح شده در کتاب هزار ساله بود. وی شرایط حاکم بر ایران را حاصل افسار گسیختگی و تخلف از دین و مراسم دینی قلمداد می‌کند. هرچند دوران مورد بحث به نظر بعضی دوران سکوت امام بوده ولی اثر وی در این دوره یک اثر کاملاً سیاسی است که مقدمه تحولات بعدی را شکل می‌دهد. طرح کلی وی در این کتاب در دفاع از دین، بازسازی و شکل دهی مجدد تفکر دینی در جامعه ایران بود.

کتاب کشف‌الاسرار امام که در ادبیات نوین دینی در ایران جایگاه ویژه‌ای دارد، متضمن بحث درباره حکومت و قانون از نظر دین است. (امام خمینی بی‌تا: ۲۲۱ و ۲۲۸) امام در این خصوص تصریح می‌دارد که دین با زندگی امروز سازگار بوده و احکام دین همان احکام عقل است (امام خمینی بی‌تا: ۲۳۵)، که برای سازمان و کشور و زندگی آمده است. (امام خمینی بی‌تا: ۲۳۶) ایشان در این کتاب علت عقب‌ماندگی ایران را ناشی از جدایی و دوری از دین دانسته و تاکید می‌کند اگر قوانین اسلام در همین مملکت ما جریان پیدا کند روزی می‌آید که پیش‌قدم در تمدن جهان باشد. (امام خمینی بی‌تا: ۲۳۸). کوشش‌هایی که بعدها در چارچوب ارائه تئوریک یک نظام سیاسی در سایر آثار امام چون البیع، تحریرالوسیله، ولایت فقیه و نیز در مبارزات دهه چهل و پنجاه شمسی توسط وی به شکل کامل پیگیری گردید و در نهایت به پیروزی انقلاب اسلامی ایران انجامید. همه این کوشش‌ها در واقع در عین حال که متوجه بازیابی دین در جامعه و احیاء نگرش و حیانی به عنوان مبانی معرفتی صورت گرفت در جهت نفی مؤلفه‌های مدرنیسم معرفتی غرب و خروج از حیطة و الزامات نظری تمدنی آن صورت پذیرفت. به عبارت دیگر همه این کوشش‌ها ظرفیت تئوریک لازم را جهت پر کردن خلأ تولید معنا برای تحول بعدی یعنی انقلاب اسلامی ایران پدید آورد و حاصل آن، نوید حرکت به سمت بازیابی ساختار تمدنی در درون انقلاب اسلامی ایران را شکل داد.

## ۲-۱. تجهیز مفاهیم درون دینی به‌مثابه زیرساخت‌های معنایی تمدن‌سازی نوین انقلاب

## اسلامی

ظهور معنا در انقلاب اسلامی ایران نه تنها مستلزم شناسایی مفاهیمی بود که به تولید این معانی کمک می‌کرد بلکه مستلزم تجهیز و بازتولید این مفاهیم نیز بود. از اینرو درک صحیح رویکرد نوین اندیشه شیعه که به معماری نوین سیاسی در ایران منجر گردید بدون فهم چگونگی چنین روندی میسر نیست و این در واقع همان تحولی است که به تعبیر آوینی خارج از عهد فرهنگی رنسانس روی داد (آوینی ۱۳۸۰: ۳۰).

در این راستا در چند دهه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ادبیات فکری شیعه رویکردی تازه درباره مقولاتی چون ارتباط دین و سیاست، انتظار فرج، تقیه، جهاد و شهادت شکل گرفت که در پرورش ذهنی و تغییر نگرش به سوی قبول یک رسالت تاریخی و تحول بنیادین بر اساس دین نقش اساسی ایفا کرد. (درخشه ۱۳۸۴: ۲۶۵-۲۲۱) متفکران شیعه در این دوره به این نتیجه رسیدند که محتوی اندیشه شیعه قابلیت لازم برای ارائه یک الگوی مناسب سیاسی و اجتماعی و بازیابی دینی در عصر جدید و به تبع آن ایفای نقش تاریخی را داراست. ولی برخی از پذیره‌های سنتی یا تفسیرهایی از آن مانع ایفای چنین نقشی بودند و به عنوان دژ کارکرد عمل می‌کردند. از اینرو ضروری بود که ضمن بازشناسی و بازسازی اهرم‌های درون مذهبی شرایط را برای یک تحرک عمومی تاریخی به وجود آورد. اندیشمندان تحول‌گرا این واقعیت را دریافتند که برداشت‌های مزبور از این مفاهیم با تفسیرهای بنیادین دین فاصله زیادی دارد و تا چنین برداشت‌هایی تصحیح نشود، نمی‌توان بر القائات احیاناً ایدئولوژیک موجود برای ایفای چنین نقشی غلبه کرد. بدون شک پذیرش این نکته که دست‌یابی به آرمان‌های سیاسی شیعه در شرایط موجود ناممکن است و در عین حال بین آن آرمان‌ها و واقعیت‌ها موجود فاصله‌ای فاحش وجود دارد، امکان هر گونه بسیج اجتماعی و بازتولید قابلیت‌های تمدنی دینی را از رهبران مذهبی و مذهب‌یون سلب می‌کرد.

به صحنه در آوردن دین و انتظار از آن جهت ایفای چنین نقشی و پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین و اقدام عملی برای ایجاد تحول بنیادین ضمن اینکه باید توأم با باور به

داشته‌های خود همراه گردد، در عین حال نیازمند یک بنیان تئوریک قوی درون دینی است که بتواند پایه‌های آن با هم هماهنگ عمل نموده و توجیه ایدئولوژیک لازم را در این رابطه فراهم آورد. این بازسازی در واقع روح تازه‌ای بود که توانست به ساماندهی و تجمیع قابلیت‌های سیال و پراکنده کمک موثر نماید و راه را برای شکل دادن به آمریتی نوین و مسئله قدرت سیاسی و ابعاد متعدد جهاننداری از جمله نقش مردم و مشارکت سیاسی آنان، عدالت اجتماعی، نظام اقتصادی و امثال آن باز کند. در این میان مهم‌ترین جنبه‌های این بازسازی را که می‌تواند به تقویت و باز تولید قابلیت‌های تمدن سازی اسلامی در جهان جدید کمک موثر نماید باید در توضیح دو مقوله «نسبت دین و سیاست» و نیز «موعود گرایی و انتظار فرج» مورد کندو کاو قرار داد که اولی با توضیح کارکرد سیاسی دین برای نظام سازی ضروری بود و دومی نه تنها بر تفسیرهای بازدارنده غلبه می‌کرد بلکه نمای آینده تمدن اسلامی را گویا می‌ساخت. در اینجا سعی خواهد شد هر دو موضوع در تاریخ فکری معاصر ایران مورد بررسی قرار گیرد.

#### ۱-۲-۱. نسبت دین و سیاست

تردیدی نیست که شکل دهی یک آمریت نوین بر پایه دین درگرو توضیح نسبت دین و سیاست و غلبه بر برداشتی است که از آن در جامعه معاصر ایران ارائه شده است. به ویژه اینکه هر حرکت تمدنی به غیر از نیازمندی به نظام معنایی ضرورتاً باید در قالب قدرت سیاسی و حکومت توضیح داده شود، عنصری که معمولاً همراه و همزاد تمدن‌ها بوده و تمدن اسلامی فارغ از چنین عنصری در تاریخ گذشته خود نبوده است.

اما اندیشه درباره دین و سیاست به دلیل اینکه هر دو این مقولات در زندگی بشر همواره حضور موثری داشته است، از دیر باز مورد توجه جدی متفکران و اندیشمندان بوده است. حاکمیت دین بر سیاست در بخش بزرگی از زندگی بشر که حاصل نگاه دینی انسان به جهان هستی و خود است، همواره در تاریخ گذشته برقرار بوده است، این موضوع حتی در جوامعی که در گذشته تاریخی آنها دین و آیین‌های الهی موضوعیتی نداشته، در ارتباط دنیا و ماوراءالطبیعه جستجو می‌شده است.